

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 4, Summer 2021, 1-24
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.36473.2247

A Review of the Book *The Art of Islamic Banking and Finance*

S. M. Reza Amiri Tehrani*

Abstract

The Art of Islamic Banking and Finance narrates the author's (Yahia Abdul- Rahman) achievement in constituting an interest-free bank in the U.S.A. As a matter of fact, he explores banking and finance laws and regularities in the U.S as well as the Islamic banking system in the world. The remarkable difference between these two kinds of banking systems is that the former is based on the monetary market and the latter on the real economy. In the Islamic banking system, the rent expense of a commodity to be financed is measured based on rules known as "commodity indexation" and "marking to market". Moreover, in such a system, the interest rate of the ordinary banking system is substituted with the rent expense of a commodity. Thus, rent expenses are not fixed like interest rates. The prominent characteristic of an Islamic banking system is not only its interest-free feature but also its civility and social responsibility. The main pitfalls of the book include a lack of comprehensive discussion and a lack of reporting the Islamic banking systems of other Muslim countries. Besides, no thorough analysis of banking system experiences has been done and has not paid attention to the critique of the Iranian banking system.

Keywords: Islamic Banking, Interest-free, Social Responsibility, Commodity Indexation, Mark to Market

* Assistant Professor of Philosophy of Science and Technology, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, amiritehrani@hotmail.com

Date received: 2021-01-25, Date of acceptance: 2021-05-24

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۰، ۳-۲۴

نقد کتاب

The Art of Islamic Banking and Finance

(هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی)

سید محمدرضا امیری طهرانی*

چکیده

این کتاب حاصل تجربه نگارنده در تأسیس بانکداری بدون ربا در امریکا است. او به این منظور مجموعه قوانین بانکداری امریکا و هم چنین تجربه بانکداری اسلامی در جهان را بررسی می‌کند. وجه تمایز این دو نوع بانکداری متکی بودن فعالیت‌های اولی بر بازار پولی و دومی بر اقتصاد واقعی است. او برای تعیین اجاره بهای سهم مشارکت بانک در تهیه کالاها و خدمات در عقود مبادله‌ای دو قاعده را معرفی می‌کند؛ قاعده سنجش کالا که ارزش کالا را بر اساس کالاهای شاخص و باثبات ارزیابی می‌کند، و قاعده ارزش گذاری بر پایه بازار که اجاره‌بهای آن را در بازار واقعی می‌سنجد. در بانکداری بدون ربا اجاره‌بهای کالا در بازار واقعی جایگزین نرخ بهره در بازار پولی می‌شود. او مأموریت بانکداری بدون ربا را به بعد فقهی آن محدود نمی‌داند، و مسئولیت اجتماعی آن را در پیشبرد رفاه مردم و گسترش عدالت اجتماعی بحث می‌کند. مهم‌ترین نقدهایی که بر کتاب وارد است این که فاقد پیشینه بحث است و در بررسی نحوه تعیین نرخ سود بانکی در بانکداری اسلامی، به طرح نظریه‌های دیگر اقتصاددانان مسلمان نمی‌پردازد و به ذکر تجربه بانکداری برخی کشورهای مسلمان بسنده می‌کند. البته بررسی تجربه‌های بانکداری نیز به طور کامل انجام نشده و برای نمونه به نقد بانکداری ایران اهتمام نکرده است.

* استادیار فلسفه علم و فناوری و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
amirtehrani@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، تأمین مالی، بدون ربا، مسئولیت اجتماعی، سنجش کالایی، ارزش‌گذاری

۱. مقدمه

یحیی عبدالرحمن نویسنده کتاب هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی در معرفی کتاب خود می‌گوید که این کتاب را برای همه مردم از هر ایمان و اعتقادی نگاشته است. می‌توان آن را به عنوان یک رویکرد مبتنی بر ایمان و برخوردار از مسئولیت اجتماعی بانکداری معرفی کرد. نویسنده معتقد است که تقاضای زیادی برای بانکداری بدون ربا در ایالات متحده و غرب، و هم‌چنین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان وجود دارد. بانکداری بدون ربا سیستمی است که بر شالوده اجاره پول به یک قیمت مشخص به نام نرخ بهره بنا نشده است، بلکه بر اساس اجاره یک دارایی ملموس از قبیل خانه، ابزار و تجهیزات، و کسب و کار استوار است (Abdul-rahman, 2010: 1).

یحیی عبدالرحمن نویسنده امریکایی و با اصالت مصری است که کتاب هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی (The Art of Islamic Banking and Finance; Tools & Techniques for Community-Based Banking) را در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد. این کتاب به زبان انگلیسی در ۳۹۶+۳۵ صفحه از سوی انتشارات ویلی و پسران به طور همزمان در نیوجرسی امریکا و کانادا انتشار یافته است. این کتاب با عنوان هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی؛ ابزارها و روش‌های بانکداری مبتنی بر جامعه توسط سیدمحمدرضا امیری طهرانی و دستیارانش مجید خادم‌الحسینی و حمید مرتضی‌نیا ترجمه و از سوی انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی در ۶۴۴ صفحه و تیراژ ۱۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.

نویسنده در سال ۲۰۰۱، در بانک لاربا، و بعد از آن (از ژوئیه ۲۰۰۳) در بانک ویتیر، تلاش کرد که بانکداری اسلامی را در امریکا با نامی جدید یعنی بانکداری بدون ربا یا لاربا تجاری کند، نامی که از آن حمایت می‌کند، بدون ربا (riba-free) است. نامی که با کلمه ریبت (ribit) مورد استفاده در عهد عتیق هم خانواده است. ربا، به معنی عمل بهره-جویی از کسانی که برای رفع نیازهای اساسی خود به پول احتیاج دارند، از طریق اجاره پول به قیمتی به نام بهره است. بانکداری بدون ربا یک نام تجاری از بانکداری برخوردار از مسئولیت اجتماعی است که در روح و نیت، هر دو، بر جامعه مبتنی است. این نام

تجاری نوعی از بانک‌داری است که مظهر ارزش‌های یهودی، مسیحی و اسلامی است که در امریکا در حال عمیق‌تر شدن هستند. (Abdul-rahman, 2010: 1-2).

نویسنده در یک کلام، موضوع کتاب را مفهوم نرخ بهره و فرهنگ حاصل از اجاره پول، معرفی می‌کند. بانک‌داری بدون ریبت/ربا، شامل سرمایه‌گذاری در جامعه و با مردم است، و نه اجاره دادن پول به آنان و گرفتن هزینه استفاده از آن. در روزگاران گذشته، قانون گرفتن هزینه برای استفاده از پول، ربا نامیده می‌شد. متأسفانه امروز، ربا به عنوان بهره مضاعف یا گزاف تعریف شده است و تاکنون کسی تعریف مضاعف را، با بیان نقطه مرجعی که فراتر از آن ربای مضاعف یا گزاف شکل می‌گیرد؛ تبیین نکرده است (Abdul-rahman, 2010:8).

۱,۱ پیشینه

کتاب هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی که درصدد نقد آن هستیم، پیش از این از سوی برخی بررسی و نقد شده است. ریچارد بوشمن (Richard Bushman)، استاد بازنشسته تاریخ در دانشگاه کلمبیا درباره این کتاب می‌گوید که پاسخی قوی، عملی و مبرهن به این پرسش است که چگونه می‌توان بانک‌ها را به مردمی که باید خدمت‌گزار آنان باشند، متعهد کرد. این کتاب نه تنها یک نظریه بلکه گزارشی از چگونگی کارکرد موفق بانک‌داری اسلامی در امریکای جدید ارائه می‌کند.

گای دیوید، عضو شرکت با مسئولیت محدود گاولینگ لافلور هندرسون معتقد است هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی یک مطالعه تطبیقی ژرف‌نگر و گاهی شگفت‌درباره تأثیر اصول دینی یهودی-مسیحی-اسلامی بر تحول بانک‌داری و تأمین مالی در اشکال متنوع آن است. بنابر دریافت دیوید یکی از یافته‌های کلیدی دکتر عبدالرحمن این است که تفاوت میان اصول بنیادین تأمین مالی اسلامی و متعارف، آن قدر نیست که در تفسیر و کاربرد آن‌ها در جهان معاصر است.

طارق الدیوانی، عضو ارشد شرکت مشاوره زست باور دارد که بحث یحیی درباره بانک‌داری اسلامی به دلیل تجربه عملی او؛ صریح، درگیرکننده و آگاهی‌بخش است. این سرآغازی راه‌نما جهت بهبود وضعیت، برای همه کسانی است که معتقدند صنعت تأمین مالی باید دوباره در خدمت منافع گسترده‌تر انسانیت باشد (Abdul-rahman, 2010: cover).

رشید خدوره در نقد این کتاب آورده است که نویسنده بیشتر دیدگاه خود را ارائه می‌کند تا آن چه با تأمین مالی اسلامی سازگار است. او مدعی می‌شود که نویسنده حتی از تعریف بهره که ربا هست یا نه، ناتوان است. او این ایراد را وارد می‌کند که نویسنده به دستاوردهای دیگر نویسندگان که در زمینه بانکداری بدون ربا مشارکت داشته‌اند، اشاره نمی‌کند (آمازون، ۱۸ آوریل ۲۰۱۰).

شاپوکلایک معتقد است این کتاب گرچه هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی نامیده شده است، اما از باور و ایمان فراتر می‌رود و ابزارهای مالی و محصولات بانکی فراهم آمده از سوی محققان مسلمان را به نحوی ترسیم می‌کند که برای یهودیان، مسیحیان، هندوها یا جمعیت‌های ملحد هم مانند جامعه‌های مؤمن مفید است (آمازون، ۱۶ آوریل ۲۰۱۰).

هاشم شریف در نقد کتاب، به روش ارزش‌گذاری بر پایه بازار به مثابه شاخص تعیین اجاره پول اشاره می‌کند و می‌گوید که این روش هنگامی کار می‌کند که بازاری وجود داشته باشد. در صورتی که بازار آن خدمت یا کالا وجود نداشته باشد؛ مثلاً بازار وام تحصیلی یا بازار یک تکنولوژی جدید، این روش کارآمد نیست. نقد شکلی او بر کتاب این است که نیازمند ویرایش جدی‌تری است تا غلط‌های تایپی و هم‌چنین تکرار مطالب برطرف شود و نمایه‌های کامل‌تری داشته باشد (آمازون، ۴ می ۲۰۱۰).

آر. ای. شکسپیر از جمله مزایای کتاب به استفاده از اصطلاح بانکداری بدون ربا در برابر بانکداری اسلامی اشاره می‌کند که بسیار سنجیده انتخاب شده است. کاربرد این اصطلاح با توجه به باور نویسنده به مبنای یهودی-مسیحی-اسلامی حرمت ربا، کاملاً موجه است (آمازون، ۲۸ می ۲۰۱۰).

نسرین درباره این کتاب می‌گوید که نه تنها به فهم بانکداری اسلامی و چگونگی کارکرد آن کمک می‌کند، بلکه شیوه کار فدرال رزرو (Federal Reserve) و بانکداری عام در آمریکا را نیز معرفی می‌کند. نویسنده نشان می‌دهد که بانک کوچک متکی به جامعه، بنابر اصل مسئولیت‌شناسی اجتماعی چگونه کار می‌کند؛ و هدف پیشرفت جامعه چه نقش مهمی در تأمین نیازهای مالی آنان به روشی برتر از بانک‌های بزرگ ایفا می‌کند (آمازون، ۱۴ فوریه ۲۰۱۰).

ویلیام استیلول تأکید می‌کند نظام بانکداری بدون ربای شرح شده در این کتاب تنها نظامی است که یک وام را با وجود این که مشتری اعتبار و درآمد خوبی دارد و می‌تواند از عهده قسط‌های ماهانه برآید، منتفی می‌کند، تنها به این دلیل که این نهاد مالی این سرمایه

گذاری را برای مشتری مناسب نمی‌بیند. این کتاب فرهنگی را به نمایش می‌گذارد که هم منافع مشتری را محافظت می‌کند و هم سلامت بلندمدت نهاد مالی را رعایت می‌نماید. آن چه از کتاب می‌توان آموخت این است که بانکداری بدون ربا، نظامی منصفانه، اخلاقی و کارآمد است. (آمازون، ۵ فوریه ۲۰۱۰).

۲. بحث

۱,۲ محتویات کتاب

این کتاب در دو بخش ساماندهی شده است. بخش اول، که از هشت فصل تشکیل یافته، بر روی اجزای تشکیل دهنده سیستم بانکی بدون ربا تمرکز دارد. سیستم ارزشی یهودی، مسیحی و اسلامی به مثابه یک باور ایمانی که ربا/ربیبیت را ممنوع می‌داند؛ در فصل ۲ بحث شده است. اصل منحصر به فرد ارزش‌گذاری برپایه بازار (marking to the market)، که بانک‌داران بدون ربا را به منظور بررسی هر "عملیات" مالی و اعطای وام به عنوان یک سرمایه‌گذاری راهنمایی می‌کند، در فصل ۳ بحث شده است. در این روش، اجاره بهای یک ماشین، خانه و یا یک خدمت در بازار واقعی، به منظور ارزیابی امکان‌پذیر بودن پرداخت ماهانه یک معامله تامین مالی، به جای اجاره مستقیم پول با هزینه‌ای به نام نرخ بهره، استفاده می‌شود. عقل و دیگر راه‌های مورد استفاده جهت نیل به قوانین، مقررات، و قوانین مبتنی بر ایمان، با استفاده از مبانی یهودی-مسیحی-اسلامی و روش‌شناسی قانون شریعت، در فصل ۴ به تفصیل ارائه می‌شود.

تعریف پول و این که چگونه پول از شیء واقعی همان‌طور که توسط شریعت بیان شده است یعنی طلا یا نقره، به پول کاغذی (fiat) تبدیل گردید تا نیازهای بسیار متنوع جهان را پوشش دهد، خلق و مدیریت پول و سیستم پولی، نقش بانک‌های مرکزی و سیستم فدرال رزرو، و تعریف بهره در فصل ۵ بحث می‌شود. در این فصل مبانی ربا در معاملات تجاری و همچنین قوانین جدید و منحصر به فرد حضرت محمد (ص) برای ارزشیابی قیمت‌ها در بازار، و همین‌طور قاعده او برای قیمت‌گذاری اجاره هر چیزی بر اساس ارزش بازاری آن بحث می‌شود.

مسئولیت اجتماعی بانک‌داران بدون ربا که برای نگهداری پول و دارایی‌های مردم مورد اطمینان واقع شده‌اند در فصل ۶ مورد بحث می‌شود. مفاهیم شهروندی و مسئولیت

اجتماعی بر اساس نظام ارزشی یهودی، مسیحی و اسلامی، به عنوان وسیله‌ای برای بنا نهادن مهم‌ترین روح، ماده، و اساس برای بانکداری بدون ربا معرفی می‌گردد. نویسنده باور دارد که دستاوردهای سیستم بانکی آمریکا و قوانین و مقررات آن، از ظرفیت بالایی برای بانکداری جهان برخوردار است. او در فصل ۷ جزئیات این سیستم را که بر بخش عظیمی از تجربه انسانی استوار است بررسی می‌کند؛ و تأکید می‌ورزد که این سیستم در نظام ارزشی یهودی، مسیحی و اسلامی ریشه دارد. نویسنده در این فصل، هم-چنین توصیه می‌کند که محققان مذهبی، تنظیم‌کنندگان قوانین و دست‌اندرکاران بانکداری بدون ربا، با مقررات و سیستم بانکداری ایالات متحده آشنا شوند. در فصل ۸ تلاش می‌شود تاریخچه بانکداری بدون ربا و چگونگی توسعه یافتن آن از اوایل ۱۹۵۰ توضیح داده شود و تفاوت‌های آن با بانکداری متعارف تبیین گردد (Abdul-rahman, 2010:9-10).

نویسنده در بخش دوم کتاب که متشکل از شش فصل است، تلاش می‌کند تا مباحث بخش اول را به منظور ایجاد سیستم بانکداری‌ای قابل اعتماد، خوش طرح و مفید، که منطبق بر قانون یهودی، مسیحی و اسلامی، در روح و ماده است؛ یکپارچه نماید. بخش دوم، با معرفی دو گروه از بانکداری اسلامی و بیان خلاصه اهداف آنان آغاز می‌شود. گروه اول بانکداران اسلامی کسانی هستند که با حسن نظر و نیت خوش، از قراردادهای موجود بانکداری متعارف بهره می‌جویند و گاهی اوقات سعی کرده‌اند که به زور راه حل و اصطلاحات "اسلامی" را به سیستم تحمیل کنند. این رویکرد از اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع شده است و بانکداری "سازگار با شریعت" نامیده می‌شود. گروه دوم بانکداری اسلامی که به زعم نویسنده نخستین بار توسط او و با رویکردی مبتنی بر شریعت به پیش برده شده است، از روح و جوهر و نیت واقعی و روش‌شناسی "بانکداری اسلامی" بهره می‌برد، و بر این حقیقت که ریشه در نظام ارزشی یهودی-مسیحی-اسلامی دارد تأکید می‌کند. این رویکرد "مبتنی بر شریعت"، اساس سیستم بانکداری بدون ربا است.

فصل ۹، با تمرکز بر تکنیک‌های سازگار با شریعت و روش‌های مورد استفاده در تأمین مالی اسلامی در قرن بیستم، به بررسی جزئیات مهم‌ترین جنبه‌های استفاده‌شکلی از بانکداری در بانکداری سازگار با شریعت، در برابر بهره‌برداری از مأموریت و محتوای

بانکداری در بانکداری مبتنی بر شریعت می‌پردازد. از این رو قرارداد و روش ساختارمند رویکرد سازگار با شریعت با رویکرد مبتنی بر شریعت مقایسه می‌شود.

در فصل ۱۰، روش بانکداری اسلامی، تجزیه و تحلیل می‌شود. این فصل، بانکداری بدون ربای مبتنی بر شریعت را که تصور می‌شود موج جدیدی از بانکداری اسلامی در قرن بیست و یکم باشد، معرفی می‌کند.

تجربه منحصربه‌فرد و تاریخی از بازسازی یک بانک آمریکایی جهت فعالیت به صورت بدون ربا، در فصل ۱۱ به تفصیل توضیح داده شده است. در این فصل، جزئیات دقیقی از مراحل که برای تغییر و اصلاح ساختار یک بانک آمریکایی ربوی به یک بانک بدون ربا و برگرداندن آن به سودآوری و تطابق با نیازهای جامعه آورده شده است.

در فصل ۱۲، جزئیاتی از عملیات یک بانک بدون ربا در ایالات متحده، شامل آموزش و آماده سازی بانکداران بدون ربا و شرح محصولات مختلف بدون ربا در بانک ارائه شده است. چالش بانکداری بدون ربا در ایالات متحده این است که در حالی که اصول شریعت نقض نمی‌شود؛ قوانین کشور و مقررات بانکی، رعایت گردد. چالش دیگر، رقابت با محصولات، خدمات و تجربه و سرمایه عظیمی است که در دسترس بانک‌های معمولی مبتنی بر ربا در آمریکا است. نویسنده این چالش‌ها را به همراه استراتژی‌هایی برای رشد بانکداری بدون ربا در ایالات متحده آمریکا مورد بحث قرار می‌دهد.

فصل ۱۳، شامل نمونه‌هایی برگرفته از زندگی واقعی برای نمایش توسعه و کاربرد محصولات سرمایه‌گذاری بانکی بدون ربا است.

فصل ۱۴ با توجه به نگرش نویسنده به نام تجاری بانکداری بدون ربا در شرایط اقتصاد کنونی، نیم‌نگاهی به آینده می‌افکند و توصیه‌هایی را به کسانی که به سبک زندگی بدون ربا توجه دارند، ارائه می‌کند.

نویسنده در فصل ۱۵، به چالش‌ها و راهبردهای ترویج بانکداری بدون ربا در ایالات متحده و جهان می‌پردازد (Abdul-rahman, 2010:10-12).

۲,۲ ویژگی‌های شکلی

طرح جلد کتاب جذاب و زیباست و طیفی از رنگ‌های متنوع در آن به کار رفته است. تصویرهای جلد با نوار سورمه‌ای رنگی که عنوان کتاب روی آن نقش بسته، به دو بخش تقسیم شده است. رنگ سورمه‌ای از طیف رنگ‌های آبی است که در گرافیک برای نشان

دادن ماهیت اقتصادی به کار می‌رود. تصویر بالایی که سطح بیشتری از جلد را پوشانده است، نگارگری مینیاتور مغولی است. این تصویر دیوان یک سلطان را نشان می‌دهد که در صدر مجلس بر تخت نشسته است و دو وزیر در دست راست و چپ او بر کرسی وزارت و دیگر دبیران بر زمین نشسته‌اند. تصویر پایینی صحنه‌ای از بورس اوراق بهادار در امریکا را نشان می‌دهد. اسم ناشر کتاب، ویلی و فروست کتاب، تأمین مالی به صورت WILEY FINANCE بر روی تصویر نگارگری مغولی، تا اندازه‌ای ناسازگار بلکه تعرض آمیز به نظر می‌رسد. شاید اگر این عنوان در پایین صفحه روی تصویری از بورس امریکا نقش می‌بست، چشم نوازتر بود.

کنار هم گذاشتن این دو تصویر علاوه بر این که تقابل سنت و مدرنیسم را نمایش می‌دهد، می‌تواند نشانگر دو فضای متفاوت تصمیم‌گیری در سطح حکمرانی و بازار باشد. با وجود این به نظر می‌رسد برای نمایش بصری اموری وابسته به پول و وام هم چون ربا و بهره از دیدگاه اسلامی، شاید استفاده نمادین از سکه‌های قدیمی و به ویژه ضرب شده در دوران تمدن اسلامی با نقش‌هایی برگرفته از شعارهای اسلامی توحید و رسالت پیامبر (ص) گویاتر بود.

در پس زمینه نگارگری پرنقش و نگار مغولی، عنوان هنر بانکداری و تأمین مالی اسلامی با حروف درشت بر قطعه سورمه‌ای رنگ جلد به خوبی نظر بیننده را به خود جلب می‌کند. در زیر عنوان اصلی، زیر عنوان ابزارها و تکنیک‌هایی برای بانکداری مبتنی بر جامعه با حروف ریز درج شده و با حروف کمی درشت‌تر نام نویسنده کتاب یحیی عبدالرحمن آمده است. به نظر می‌رسد عنوان انتخابی برای کتاب اندکی از آموزه اصلی آن منحرف شده است. نویسنده در سراسر کتاب این آموزه را پی‌گرفته است که تحریم ربا و بهره ویژه دین اسلام نیست، بلکه در رسالت موسوی و عیسوی نیز پیش از اسلام بوده است و به تعبیر دیگر، حکمی مربوط به همه ادیان ابراهیمی است. این نکته‌ای است که به نظر یکی از ناقدان کتاب حاکی از دقت نظر نویسنده در انتخاب عنوان بانکداری بدون ربا برای فعالیت‌ها و تجربه بانکداری نویسنده در امریکا است. حال با توجه به ترویج آموزه بانکداری بدون ربا بر اساس حکم حرمت ربا در ادیان ابراهیمی، انتخاب عنوان بانکداری اسلامی برای روی جلد که این طرح بانکداری را به دیدگاه اسلامی محدود می‌سازد، قابل تأمل است.

کتاب در قطع وزیری و آن چنان که در صفحه شناسنامه آن آمده است؛ در سال ۲۰۱۰ از سوی انتشارات ویلی و پسران در شهر هوبوکن ایالت نیوجرسی ایالات متحده امریکا

وهم‌زمان در کانادا منتشر شده است. کتاب شامل ۳۹۶ صفحه متن و ۳۵ صفحه مقدمات با چاپ سیاه و ترام‌های طوسی است. مقدمات کتاب دربردارنده پیشگفتار و صفحه‌قدردانی است. باتوجه به این که نویسنده علاوه بر اقتصاددانان اسلامی، دو گروه اقتصاددانان متعارف و عموم مسلمانان و بلکه مردم را نیز مخاطب قرار داده است، یادداشت‌های نسبتاً جامع و پرشماری در پایان هر فصل فراهم آورده که به درک مفاهیم اسلامی و هم‌چنین تخصصی اقتصاد کمک می‌کند. البته یادداشت‌ها شامل پی‌نوشت ارجاعات نیز هست. بازگشتن به اطلاعات کتابشناختی در شیوه‌ارجاع درون‌متنی نسبت به ارجاعات در پی‌نوشت برای خواننده راحت‌تر است. در پایان کتاب نمایه درهم موضوعی و کسان آمده است که در صورت جداسازی می‌توانست کامل‌تر باشد.

فصل‌های پانزده‌گانه کتاب از نظر عنوان‌بندی و زیرعنوان بسیار غنی است و مسیر فکری نویسنده را با دو سه لایه زیرعنوان به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر عنوان‌بندی‌های پرشمار، تقطیع متن با شماره‌گذاری و نشانه‌گذاری مربع در سراسر کتاب به چشم می‌خورد که متن کتاب را از یکنواختی درآورده است. نویسنده به اقتضای بحث، از جدول، نمودار، دیاگرام و جعبه‌های ساده و طوسی رنگ برای برجسته کردن بخشی از متن بهره برده است. پاراگراف‌بندی و رعایت فرورفتگی‌ها در آغاز آن‌ها و هم‌چنین عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها رعایت شده است. استفاده از قلم‌ها در اندازه‌های مختلف به نحوه ارتباط مطالب و چشم‌نوازی متن کمک کرده است. البته متن کتاب هر چند اندک دچار خطای حروف‌نگاری و نیازمند ویرایش است. گذشته از ویرایش درست‌نویسی، برخی مطالب کتاب در فصل‌های مختلف تکرار شده است. گرچه این تکرار درباره مطالبی است که آموزه‌ها و ایده‌پردازی‌های نویسنده را شکل می‌دهد و برای تبیین وجوه مختلف آن‌ها صورت می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد که تجمیع آن‌ها و سپس بهره‌برداری از آن‌ها به اقتضای مباحث سراسر کتاب، سزاوارتر است.

۳,۲ ویژگی‌های محتوایی

به اعتقاد نویسنده، مهم‌ترین مسائل فراروی بانکداری بدون ربا یا به تعبیری بانکداری اسلامی در جهان معاصر، نظر به این که اقتصاد بدون ربا بر اقتصاد واقعی استوار است، ارزشیابی کالاها و خدمات موضوع قراردادها و هم‌چنین ارزیابی اجاره‌بهای آن‌ها به مثابه جایگزینی برای نرخ بهره است. در این کتاب این دو مسئله با رویکرد اسلامی در دو فصل

سوم و پنجم با معرفی دو مفهوم "شاخص سنجش کالایی" (commodity indexation) و "ارزش‌گذاری بر پایه بازار" (marking to the market)، بحث و بررسی شده است. در فصل سوم برای تبیین رویکرد اسلامی ارزشیابی کالاها و خدمات مفهوم "شاخص سنجش کالایی" را معرفی می‌شود. از این سیستم برای مرتبط ساختن قیمت هر شیء به یک کالای استاندارد که تولید شده است و یا در هر جامعه به کار می‌رود، استفاده شد. این سیستم، برای قیمت‌گذاری محصولات و خدمات چه بر اساس اونس طلا و نقره و یا بر مبنای اقلام اصلی مواد غذایی در جامعه، مانند گندم، جو، خرما و یا نمک به کار رفت. هم‌چنین این قاعده وضع شد که اگر کسی یک اونس طلا را قرض گرفت باید به مقداری مساوی به مالک آن برگرداند، حتی اگر بازپرداخت آن در آینده نزدیک نباشد و پس از گذشت یک سال انجام پذیرد. اگر بازپرداخت بیش از یک اونس بود، معامله یک معامله ربوی و حرام ملاحظه می‌شد (Abdul-rahman, 2010:48).

به لحاظ مفهومی، برای رفتار عادلانه نسبت به همه مردم، قیمت یک شیء همیشه باید با وزن و حجم کالا رابطه داشته باشد؛ حال این کالا ممکن است از منابع طبیعی استخراج شده باشد، مانند فلزات گرانبها، طلا، مس یا نقره، یا یک محصول غذایی تولید شده توسط کار سخت کشاورز و با استفاده از مواد مغذی طبیعی زمین و آب باشد، مانند ذرت، گندم، خرما، و جو (Abdul-rahman, 2010:50).

حال این مفهوم را با دستگاه چاپی مقایسه کنید که با کم‌ترین تلاش اسکناس چاپ می‌کند. تکثیر بیش از اندازه اسکناس‌ها، بدون توجه به صرفه و اقتصاد محلی تولید، می‌تواند عامل عمده تورم باشد؛ عکس این قضیه نیز می‌تواند به همین اندازه صحیح باشد (Abdul-rahman, 2010:51). در این سیستم ضریب فزاینده یا تکثیر پول که معکوس نسبت ذخیره قانونی است، مزید بر علت می‌شود. در بانک‌داری، ذخایر قانونی جداگانه‌ای برای نوع و حجم مختلف بدهی‌ها وجود دارد. این گسترش چند برابری سپرده‌های خلق شده در بانک، از ویژگی‌های سیستم‌های بانک‌داری و نه خود بانک‌ها است. هیچ بانکی نمی‌تواند بیش از مازاد ذخایرش، هیچ مقداری سپرده خلق کند (Abdul-rahman, 2010:96).

شایان یادآوری است که به هنگام بحث درباره مفهوم "شاخص سنجش کالایی" منظور، بازگشت به استاندارد طلا نیست. آن چه قویاً در این جا مد نظر است، سیستمی پیشگام و جدید است که از یک کالای مرجع مانند طلا یا سبدهی از کالاهای خاص هر کشور، بسته به جدول تولید و تقاضای آن، استفاده می‌کند؛ همانند مفهوم سبد خرید مورد استفاده برای

اندازه‌گیری تورم و مفهوم پیشنهاد شده توسط جیمز بیکر (James Baker) در سال ۱۹۸۷ برای تشخیص حباب اقتصادی در یک اقتصاد محلی. جالب توجه است که این مفهوم سبب کالایی می‌تواند از کشوری به کشور دیگر، بلکه از زمانی به زمان دیگر، با تغییر ترکیب تولید در کشوری معین، تغییر کند (Abdul-rahman, 2010:52-53).

مفهوم ارزش‌گذاری بر پایه بازار به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخی در سیستم بدون ربا شناخته می‌شود. این مفهوم، شالوده قیمت‌گذاری منصفانه محصولات و خدمات بانکی بر اساس ارزش‌های واقعی بازار را در چارچوب عملیات یک بازار باز و آزاد استوار می‌سازد. به عنوان مثال، خرید یک خانه را در نظر بگیرید. خریدار می‌خواهد از منابع مالی بدون ربا استفاده کند و نهاد مالی بدون ربا، باید آن خانه را بر پایه بازار ارزش‌گذاری کند. بهترین راه انجام این کار این است که دریایم ارزش دلاری اجاره هر فوت مربع از خانه‌های مشابه در همان محله و با مشخصات مشابه چقدر است. این نرخ اجاره بازاری مورد توافق طرفین، برای محاسبه نرخ بازده سرمایه‌گذاری معامله خرید، در نگاه یک سرمایه‌گذاری به آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که نرخ بازده سرمایه‌گذاری، دارای صرفه اقتصادی (یعنی، برابر یا بالاتر از بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران بدون ربا) باشد، بانک بدون ربا سرمایه‌گذاری در تامین مالی ملک مورد نظر را انجام می‌دهد. یک بازده بسیار پایین حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری، مناسب نخواهد بود، بانک‌دار بدون ربا به مشتری توصیه می‌کند که در آن ملک سرمایه‌گذاری نکند، و بانک بدون ربا نسبت به تامین مالی و شرکت در سرمایه‌گذاری اقدام نمی‌کند (Abdul-rahman, 2010:54).

نویسنده با اعتقاد به این که پول در برابر تولید کالا و ارائه خدمت حاصل می‌شود و خلق پولی که ناظر به تغییری واقعی در رفاه اقتصادی جامعه نباشد، با آموزه ادیان ابراهیمی مخالف است، تأکید می‌کند همه کسانی که به ارزش‌های یهودی-مسیحی-اسلامی اعتقاد دارند باید بر دو مفهوم مهم یاد شده، در طراحی بانک‌داری و سیستم مالی بدون ربا تمرکز کنند؛ استفاده از قاعده شاخص سنجش کالایی برای اطمینان از قیمت‌گذاری منصفانه و مبتنی بر بازار، و استفاده از مفهوم ارزش‌گذاری بر پایه بازار جهت اطمینان یافتن از این که ما در حال اجاره دادن دارایی‌های ملموس و اجاره‌پذیر، و نه پول، هستیم، و بدین منظور که از سرمایه‌گذاری معقول و احتیاط‌آمیز اطمینان حاصل کنیم (Abdul-rahman, 2010:102).

نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که از مسئولیت‌های بانک‌های مرکزی جهان-از جمله فدرال رزرو ایالات متحده- این است که تمام تلاش خود را به موقع برای توقف

شکل‌گیری حساب‌داری صرف‌کننده؛ این کار باید از طریق ترکاندن این حساب‌ها انجام شود قبل از این که آن قدر بزرگ شوند که بار سنگینی بر دوش اقتصاد و در زمان فروپاشی بر دوش کل جامعه بگذارند (Abdul-rahman, 2010:104-105).

پرسش این است که چگونه یک شهروند معمولی یا یک موسسه مالی بدون ربا می‌تواند از شرکت در این رفتار حسابی پرهیز کند؟ پاسخ نویسنده این است که با کاربرد دو قاعده مهم تأمین مالی بدون ربای شاخص سنجش کالایی و ارزش‌گذاری بر پایه بازار. این قاعده‌های تأمین مالی بدون ربا نسبت به این که ما در حال سرمایه‌گذاری خردورزانه هستیم و در یک حساب شرکت نمی‌کنیم؛ اطمینان‌بخش است. گرچه این صحیح است که شاید پیش از موعد یک بازار خاص را ترک کنیم، اما به عنوان بانک‌داران بدون ربا مطمئن هستیم که مهم‌ترین ارزش بانک‌داری بدون ربا را به مشتریان خود تقدیم می‌کنیم که حفاظت از سرمایه و تحقق بازده منطقی است، که در بلندمدت بسیار بالاتر از چنین بازده‌های مبتنی بر حساب و قمار است (Abdul-rahman, 2010:105).

از مفاهیم مهم دیگری که نویسنده به آن اهتمام دارد و روی جلد در زیرعنوان بانک‌داری مبتنی بر جامعه نمایان است، مدنیت و مسئولیت اجتماعی نظام بانک‌داری است. او در فصل ششم کتاب درباره جنبه‌های مهم نحوه وارد کردن این ارزش‌ها به زندگی با توضیح ابعاد اجتماعی این شیوه بانک‌داری و تعهد آن به ساختن، رشد و توسعه جامعه بحث می‌کند. به اعتقاد او بعد مدنیت و مسئولیت اجتماعی در بانک‌داری و مالیه بدون ربا، سرانجام به رشد اقتصادی، فرصت‌های شغلی جدید، رفاه، و وحدت، و آینده‌ای مبتنی بر صلح، انصاف و عدالت برای همه مردم، منجر می‌شود. در امور بانک‌داری و تأمین مالی، مدنیت و مسئولیت اجتماعی یک اصل مهم برای داشتن یک عملیات بانکی موفق است (Abdul-rahman, 2010:132).

در نظام بانکی بدون ربا، شرکت‌های تأمین مالی به دنبال این هستند تا صاحبان سرمایه را با صاحبان ایده یا متخصصان، گرد هم آورند، به امید آن که با هم‌دیگر به صورت شراکت سرمایه‌گذاری کنند و رشد اقتصادی بلندمدت را در جامعه تحقق بخشند، و به بازده سرمایه قابل قبول آنان بیانجامد. نقش شرکت‌های تأمین سرمایه عبارت است از آموزش، ارزیابی، ارتقا، و پی‌گیری منافع رشد بلندمدت، نه صرفاً دریافت حق کمیسیون. هدف نظام بانکی بدون ربا، گردش سرمایه درون جامعه است. نظام ارزشی یهودی-مسیحی-اسلامی معامله ابزارهای کاغذی را که خلق ثروت نمی‌کند بلکه آن را از طریق

قماربازی، سفته‌بازی، و دست‌کاری انتقال می‌دهد؛ ممنوع کرده است. هدف، باید سرمایه‌گذاری بلند مدت باشد، نه داد و ستد روزانه‌ای که به صورت قمار کازینویی انجام می‌شود (Abdul-rahman, 2010:147-148).

نویسنده با اشاره به تجربه خود در تأسیس شرکت لاربا، میثاق‌هایی را یادآور می‌شود که می‌توان آن‌ها را "قوانین طلایی ده‌گانه بانکداری بدون ربا" نامید. فهرست این قوانین در پی می‌آید:

۱. با پول و اعتماد مردم سفته‌بازی نکنیم. اعتماد مردم را بالاتر از هر چیز، از جمله منافع خود قرار دهیم.

۲. به تعهداتمان عمل کنیم. ما هرگز چیزی را قول ندهیم که نمی‌توانیم انجام دهیم.

۳. به پول احترام بگذاریم، پول به افرادی که به آن احترام بگذارند، احترام می‌گذارد. در مورد هزینه‌هایمان دقیق باشیم و آنها را در سطح حداقل نگه داریم.

۴. مسئولیت اخلاقی‌مان را نسبت به جمعیت‌های محلی فراموش نکنیم. در حالی که مهم‌ترین دغدغه ما دستیابی به بالاترین بازدهی برای سهامداران‌مان است، هرگز وظیفه اخلاقی‌مان را نسبت به جمعیت‌های محلی فراموش نکنیم. موفقیت‌های‌مان را بر اساس بازدهی دارایی‌ها و همچنین تعداد خانواده‌هایی بسنجیم که به فعال شدن آنان کمک کرده‌ایم.

۵. تبعیض قائل نشویم. صرف نظر از رنگ پوست، زبان، نژاد، باورهای دینی، سن یا جنسیت، هیچ‌گونه تبعیضی قائل نباشیم.

۶. روی مشتریان‌مان سرمایه‌گذاری کنیم. به کسب و کارمان به عنوان یک عملیات اجاره پول ننگریم. بر افراد و با مشارکت افراد سرمایه‌گذاری کنیم.

۷. از نظر اجتماعی پاسخ‌گو و مسئول باشیم. کسب و کارها و فعالیت‌های غیراخلاقی را تامین مالی نکنیم.

۸. در مورد این که با چه کسانی معامله کنیم، حساس باشیم. قول دهیم که منبع وجوه و نوع و کیفیت کسب و کار سپرده‌گذاران، مشتریان و مراجعان را بررسی کنیم و نسبت به معتبر بودن آن اطمینان حاصل کنیم.

۹. محافظه کار باشیم. مهم‌ترین هدف سرمایه‌گذاری حفظ سرمایه و بالاتر از تورم نگاه داشتن آن است.

۱۰. به همکاران‌مان به عنوان شریک بنگریم (Abdul-rahman, 2010:151).

نویسنده پس از معرفی مفاهیم بانکداری بدون ربا به بررسی تجربه بانکداری اسلامی می‌پردازد. او در این بررسی دو گونه بانکداری را از هم بازشناسی می‌کند؛ بانکداری اسلامی "سازگار با شریعت" و بانکداری بدون ربا "مبتنی بر شریعت". او درباره بانکداری سازگار با شریعت می‌نویسد که تلاش‌ها برای بنیان نهادن بانکداری و تأمین مالی اسلامی منجر به ابداع مدل مهمی در اواسط دهه ۱۹۷۰ گردید که بسیار متداول و مرسوم شد، زیرا بسیار شبیه به مدل تأمین مالی مبتنی بر ربا بود. این مدل، هزینه افزوده (Cost-Plus Model) یا مرابحه نام داشت و به طور خلاصه شامل مراحل زیر است:

۱. مؤسسه تأمین مالی، کالایی را مطابق نظر خریدار نهایی - که خواهان تخصیص اعتبار بدان است - به قیمت خاصی خریداری می‌کند.
۲. مؤسسه تأمین مالی، کالای مذکور را با قیمت پایه به علاوه سود مشخص به خریدار نهایی می‌فروشد. عنصر سود بطور متعارف بیانگر بهره ضمنی تجمعی - به اصطلاح سود- است که به دوره زمانی تأمین مالی تعلق می‌گیرد.

مدل سازگار با شریعت اسلامی بر معامله خرید- فروش استوار است و بهره درخواست نمی‌گردد. مدل مذکور برای صنعت نوظهور و نوین بانکداری اسلامی بسیار مناسب بود، زیرا این مدل اقتباس صریحی از مدل بانکداری متعارف مبتنی بر ربا بود (Abdul-rahman, 2010:204). بانکداران اسلامی در فرآیند اجرای این مدل با چالش‌هایی مواجه شدند که مهم‌ترین آن‌ها این بود که چگونه می‌توان میزان سودی که به قیمت پایه خرید اضافه می‌گردد را محاسبه نمود؟ برخی از علما به شرکت‌های تأمین مالی اجازه دادند به منظور یافتن راه‌حلی برای این مشکل از نرخ بهره رایج به عنوان شاخص برآورد سود استفاده کنند. از آنجا که بازار پول لندن در دسترس بود، دانشمندان این حوزه با بکارگیری نرخ بهره بین-بانکی لندن یا نرخ بهره رایج محلی به عنوان نرخ بهره مرجع (Reference Interest Rate) موافقت نمودند (Abdul-rahman, 2010:205).

نویسنده تبیین رویکرد تأمین مالی مبتنی بر شریعت را با این پرسش اساسی آغاز می‌کند که چرا نظام بانکداری بدون ربا، ربا یا عمل اجاره پول در ازای دریافت قیمت یعنی نرخ بهره را ممنوع می‌کند؟ او در پاسخ این گونه استدلال می‌کند که اگر اجاره پول را متوقف کنیم و به اجاره‌بهای اقلام تأمین مالی شده در بازار حقیقی نگاه کنیم، آنگاه در حقیقت ما در خودروهای اجاره‌ای، دارایی‌هایی اجاره‌ای نظیر مسکن و ساختمان‌های تجاری و کسب-وکار، سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. اگر معامله مذکور در ازای دریافت اجاره‌بها سودآور باشد،

آنگاه سرمایه‌گذاری در آن به همراه کسانی که برای تأمین مالی به نزد ما می‌آیند، امری منطقی و محتاطانه است (Abdul-rahman, 2010: 227).

از دیدگاه نویسنده جای تأمل است که تمرکز فقها اغلب بر روی جنبه‌های شرعی قراردادهای مالی است، و برخی از اساسی‌ترین الزاماتی که ماهیت و اساس واقعی سیستم بانکداری و تأمین مالی بدون ربا را شکل می‌دهند، مغفول مانده است. برای نمونه عده کمی به جنبه مسئولیت اجتماعی در ارتباط با تأمین مالی بدون ربای اسلامی اشاره کرده‌اند. مسئولیت اجتماعی بانکداری اسلامی شامل گردآوری سپرده‌های جماعت و سرمایه‌گذاری این سپرده‌ها در همان جماعت است، همانند آنچه در قانون ایالات متحده آمریکا در خصوص سرمایه‌گذاری مجدد در اجتماع آمده است. هم‌چنین این نوع بانکداری نباید اجازه دهد سپرده‌های بانکی در خارج از اجتماع (و در برخی موارد خارج از کشور) سرمایه‌گذاری شود، زیرا این امر جوامع محلی را از کسب موقعیت برای کمک به رشد و رونق شهروندان و ایجاد فرصت‌های شغلی محروم می‌کند (Abdul-rahman, 2010: 251).

بنابر آنچه یاد شد، مهم‌ترین تفاوت بانکداری بدون ربای "سازگار با شریعت" و بانکداری اسلامی "مبتنی بر شریعت" در این است که اولی برای تعیین نرخ سود بانکی از مدل هزینه افزوده و شاخص نرخ بهره رایج در سیستم بانکداری متعارف یا لایبور استفاده می‌کند، در حالی که دومی از مدل مشارکت در یک فعالیت اقتصادی بهره می‌برد و برای ارزش‌گذاری موضوع مشارکت از "شاخص سنجش کالایی" و ارزیابی سود بانکی از روش "ارزش‌گذاری بر پایه بازار" استفاده می‌کند.

۴،۲ نقد محتوا

این کتاب از جهاتی با دیگر کتاب‌های موجود در این موضوع تفاوت دارد و شاید در نوع خود نادر باشد. آغاز کتاب، زندگی‌نامه خودنگاشت دکتر یحیی عبدالرحمن است. پس از آن نویسنده وارد مباحث نظری بانکداری و تأمین اسلامی می‌شود، البته به طور موازی روایت زندگی خود را نیز ادامه می‌دهد. این کتاب در واقع حاصل پی‌گیری مجذانه، مطالعه دقیق و موشکافی استادانه زندگی یک مسلمان تحصیل کرده است که می‌خواهد در متن بزرگترین نماد فرهنگ و اقتصاد غرب، پایبند اعتقادات و ارزش‌های دینی خود باقی بماند و بر اساس آموزه‌های آن رفتار کند. این مقاله در پی نقد کتاب برآمده و نه ایده‌ها و نظریه‌های

نویسنده که در این کتاب طرح و بحث کرده است و مجال گسترده‌تری می‌طلبید. ویژگی‌های کتاب از نظر شکل و محتوا را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. کتاب با شرح حال یحیی عبدالرحمن، یک مسلمان مصری آغاز می‌شود که وضعیت زندگی و حتی حالات روحی خود و خانواده‌اش از دوران تحصیل در مدارس مصر تا درس و زندگی در آمریکا را توضیح می‌دهد. او تنگناها و مشکلاتی که نظام بانکداری ربوی برای زندگی مسلمانان معتقد در غرب در پی دارد، همراه با امکانات و محدودیت‌های موجود در ایالات متحده آمریکا برای حل آن‌ها را صادقانه بیان می‌کند. از این رو این کتاب به متن زندگی مسلمانان در جامعه آمریکا وارد می‌شود و اطلاعات فراوانی در این باره در اختیار خواننده می‌گذارد. روش پژوهش در کتاب با آنچه مردم‌نگاری و بویژه خودمردم‌نگاری معروف است، آغاز می‌شود و سپس از روش‌های توصیفی و تحلیلی نیز بهره می‌گیرد. در روش خودمردم‌نگاری ضمن گفتگو با دیگران و توجه به نگرانی‌های علمی و نظری، منجر به بیان داستان‌هایی درباره خود می‌شود که راه‌های جایگزینی را برای زندگی و دیدن جهان معرفی می‌کند (قاسمی، ۱۴۰۰، ۴۰۵). مردم‌نگار بیشتر در صدد توصیف یک فرهنگ است. پرسش عمیق او درباره فرهنگ خاص گروهی از مردم، دیدگاه‌های مشترک، ارزش‌ها، هنجارها و اعمال آنان است (فراستخواه، ۱۳۹۵، ر.ک قاسمی، ۱۴۰۰، ۴۰۷). نویسنده در بهره‌برداری از این روش و توصیف تجربه شخصی خود در راه‌اندازی بانک بدون ربا در آمریکا و توصیف فرهنگ مشترک یهودی-مسیحی-اسلامی موفق است. اما از آن جا که موضوع تحقیق او یعنی بانکداری از ابعاد علمی و تخصصی برخوردار است، ناگزیر از ورود به مباحث تخصصی است. آن چه که نویسنده را در ادامه پژوهش دچار پریشانی کرده است تراحم دو روش خودمردم‌نگاری و روش تحلیلی است. چه آن که روش اول مطالعه موردی تلقی می‌شود و به نوعی تک‌نگاری می‌انجامد (قاسمی، ۱۴۰۰، ۴۰۸-۴۰۹) و روش دوم مستلزم تحقیق نظری و ارزیابی و تطبیق نظریه‌ها و آرای اقتصاددانان مسلمان درباره بانکداری است. نویسنده در برقراری توازن میان این دو روش و استفاده درست و کافی از روش تحلیلی موفق نبوده است. از این رو در بخش‌های تحلیلی کتاب تحت تأثیر روش خودمردم‌نگاری، تنها به انعکاس دیدگاه‌های نظری و تخصصی خود بسنده کرده است.

۲. زبان کتاب تا سطح قابل قبولی روان، قابل درک و همه فهم است که مسائل را به طور مبسوط روایت می‌کند. شاید وسواس و تأکید بیش از اندازه نویسنده بر محتوا و از قلم

نیافتادن مطالب است که گاهی آن را دچار تکرار و حتی ملال انگیز می‌کند. عبدالرحمن مباحث را به زبان علمی اما غیرفنی بیان می‌کند و به صورت متن و بدون استفاده از ریاضیات می‌نگارد، گرچه برای انتقال مفاهیم از جدول و نمودار کمک می‌گیرد. این ویژگی، دامنه مخاطبان کتاب را گسترش می‌دهد و می‌توان آن را تلاش موفقی در ترویج علم و مردمی کردن آن به شمار آورد. ترویج علم به عنوان مقوله‌ای فرارشته‌ای با هدف افزایش آگاهی عموم جامعه به علم مطرح می‌شود و راهی است که امکان دسترسی و درک عامه مردم به نتایج علمی را میسر می‌سازد و درک و فهم دانشمندان نسبت به واقعیت‌های جامعه را نیز افزایش می‌دهد. ترویج علم در صورت استمرار می‌تواند تفکر علمی و خردگرایی را در جامعه رواج دهد و راه را برای پیشبرد علوم و نهادینه شدن آن و سرانجام ترقی و رفاه جامعه هموار سازد (قدیمی، ۱۳۹۶). این هدف ترویج علم با رسالت اجتماعی بانکداری اسلامی مورد نظر نویسنده کاملاً هماهنگی دارد.

۳. در این کتاب مثال‌های فراوانی برای روشن و ملموس شدن مباحث، درباره تجربه بانکداری و تأمین مالی اسلامی در جهان از کویت و عربستان گرفته تا مالزی و کشورهای اروپایی و امریکا استفاده شده است، اما تجربه بانکداری بدون ربا در همه کشورهای برای نمونه ایران و پاکستان را شامل نمی‌شود. کتاب از این رو دچار این کاستی است که به دلیل روش خودمردم‌نگاری، تنها به تجربه و مشاهدات شخصی نویسنده از بانکداری اسلامی در حاشیه سفرهای تجاری او به عنوان نماینده شرکت‌های نفتی بسنده شده است. البته کتاب در واقع شرح تجربه تأسیس یک مؤسسه مالی بدون ربا به نام لاریا و هم چنین اکتساب مالکیت بانک بدون ربای ویتی‌یر (Bank of Whittier) در امریکا است که نویسنده کتاب اطلاعات کاملی از فرایند این کار گزارش می‌کند. این تجربه موفق، از امکان‌پذیری اجرای بانکداری بدون ربا در جامعه‌های غیراسلامی بدون نقض قوانین پولی و بانکی آنان حکایت می‌کند.

۴. قلم نویسنده در شکافتن مسائل پولی و مالی از نظر فقهی، اقتصادی و حقوقی دقیق است و جزئیات فعالیت‌های بانکی و مالی را به طور مشروح بررسی می‌کند. اما این بررسی‌ها تحت تأثیر روش خودمردم‌نگاری بیشتر از درک و یافته‌های شخصی نویسنده روایت می‌کند و کمتر به بحث‌های نظری و مقایسه‌آرای دیگر اندیشمندان مسلمان می‌پردازد. حال آن که ماهیت مباحث نظری اقتضا می‌کند که دست‌کم نظریه‌های عمده اقتصاددانان مسلمان درباره بانکداری اسلامی و به ویژه روش‌های تعیین نرخ سود بانکی

بررسی و تحلیل شود. این کاستی بویژه در بحث اصلی کتاب که ترجیح دیدگاه بانکداری مبتنی بر شریعت نسبت به دیدگاه سازگار با شریعت است، به چشم می‌خورد. نویسنده به معرفی این دو دیدگاه بسنده می‌کند و صاحب نظران و نظریه‌های این دو گروه و استدلال‌ها و دلایل توجیهی آنان را بررسی و تحلیل نمی‌کند.

۵. این کتاب بر اهداف و رسالت بانک‌ها و همچنین آثار و پیامد کارکرد آن‌ها در جامعه، بسیار تمرکز و تأکید دارد. عبدالرحمن به بانک به دیده یک نهاد اجتماعی می‌نگرد که باید در خدمت جامعه باشد و منابع گردآوری شده در هر محله را صرف زندگی اهالی همان محله کند. او اطلاعات گسترده و دقیقی در این ارتباط از قوانین و مقررات سیستم بانکی و تأمین مالی امریکا ارائه می‌کند. با وجود تأکید درست نویسنده بر نقش مغفول مانده بانکداری اسلامی در توزیع عادلانه ثروت در جامعه، این بخش از کتاب می‌توانست از حجم و موضوعات بیشتری برخوردار باشد. تبیین مباحث نظری و میان‌رشته‌ای نهاد اجتماعی-اقتصادی بانک و همچنین ایده‌های جامعه‌شناسی اقتصادی سیستم بانکداری اسلامی بر فربهی و ترویج این مفاهیم می‌افزود.

۶. رویکرد کتاب به مسئله بانکداری و تأمین مالی بنا بر ماهیت و خاستگاه بحث رویکردی تطبیقی است، چرا که به موضوع چگونگی تأسیس یک مؤسسه مالی بدون ربا در یک سیستم اقتصادی ربوی می‌پردازد. البته نویسنده در مقام مقایسه این دو سیستم و به منظور یافتن زمینه‌هایی برای همزیستی و سازگاری آن دو، بر ریشه‌های مشترک دینی و اعتقادی سنت یهودی- مسیحی- اسلامی تأکید می‌کند. از این رو ضمن بر شمردن نقاط افتراق بانکداری بدون ربا با سیستم بانکداری ربوی، همواره به وجوه اشتراک این دو و زمینه‌هایی که می‌توان از این سیستم درس گرفت، اشاره می‌کند. با وجود این تأکید، وجه اشتراک این دو سیستم بانکداری به فرایندهای اداری، حقوقی و نظارتی که فعالیت بانکداری بدون ربا را در درون سیستم ربوی امریکا روا می‌دارد، محدود می‌شود. چه آن که این دو سیستم بانکداری در مقوله نرخ بهره که رکن بانکداری ربوی است، تفاوت ماهوی دارند.

۷. نویسنده کتاب به رویکرد تطبیقی اکتفا نمی‌کند، بلکه با نگاه ارزشی خود به عنوان یک مسلمان معتقد و پایبند به احکام اسلامی، به نقد سیستم بانکداری ربوی می‌پردازد. او در این زمینه به ویژگی واقعی بودن فعالیت‌های اقتصادی بانک بدون ربا و ویژگی پولی و غیر واقعی بودن فعالیت‌های بانکداری ربوی اشاره می‌کند، و علت اصلی بحران مالی

سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ را همین امر می‌داند. در نوشتگان اقتصادی، آثار بسیاری در توصیف مسائل این بحران و توضیح دلایل و عوامل آن و نقد سیاست‌های اقتصادی و مالی در پس و پیش از این رخداد نگاشته شده است. حتی اگر نویسنده را در بررسی و نقد این بحران از دیدگاه ارزشی و برگزیده خود محق بدانیم، دست‌کم در توصیف مسائل آن و توضیح اسباب و علت‌های آن شایسته و بلکه بایسته است که به مهم‌ترین آثار مربوط اشاره گردد و چه بسا شواهدی دال بر نتیجه‌گیری نویسنده درباره تأثیر غیرواقعی بودن فعالیت‌های بانکداری ربوی بر وقوع این بحران، پیدا شود.

۸. علاوه بر وجوه تمایز بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا، نویسنده در معرفی تجربه بانکداری اسلامی دو گونه بانکداری سازگار با شریعت و بانکداری مبتنی بر شریعت را از هم بازشناسی می‌کند. به باور نویسنده بانکداری سازگار با شریعت به گونه‌ای گشته-برداری از بانکداری ربوی است. چه آن که ارزش پولی که مازاد بر قیمت کالا دریافت می‌شود با نرخ بهره رایج در بازار سنجیده و تعیین می‌گردد. ولی در بانکداری مبتنی بر شریعت که از سوی نویسنده پیشنهاد شده است، این ارزش با مراجعه به بازار و بر اساس اجاره بهای کالا مشخص می‌شود. نویسنده در بازشناسی این دو دیدگاه، به معرفی و مقایسه نظری آن‌ها بسنده می‌کند و درباره عملکرد آن‌ها سخن نمی‌گوید. شایسته است که او برای تبیین دلایل ترجیح الگوی بانکداری مبتنی بر شریعت تنها به مقایسه نظری این دو الگو بسنده نکند و به تطبیق عملکرد آن‌ها در کشورها نیز بپردازد.

۹. این کتاب در موضوع بانکداری بدون ربا نوآوری و ایده‌پردازی می‌کند. او در برابر تجربه بانکداری در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و کویت، و حتی مالزی، الگویی از بانکداری را ارائه می‌کند که بر قواعد "شاخص سنجش کالایی" و "ارزش‌گذاری بر پایه بازار" استوار است. عبدالرحمن به کمک این دو قاعده، فعالیت‌های بانکی را با شاخص‌های اقتصاد واقعی سنجش و ارزیابی می‌کند. به اعتقاد او عمل به این دو قاعده موجب گردید که مؤسسه لاربا و بانک بدون ربای ویتی‌یر در بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ از آسیب در امان بمانند. با توجه به نقدهایی که بر الگوی بانکداری بدون ربای سازگار با شریعت تحت عنوان اسلامیزه کردن سیستم بانکداری انجام شده (درخشان، ۱۳۸۵)، طبعاً ایده‌ها، تلاش‌ها و تجربه‌هایی برای استقرار الگوی بانکداری مبتنی بر شریعت از سوی صاحب‌نظران و دولتمردان صورت گرفته است (صادقی، ۱۳۹۰). نویسنده نه به لحاظ نظری و نه

تجربی به سابقه‌الگوی مبتنی بر شریعت و دو قاعده شاخص سنجش کالایی و ارزش-گذاری بر پایه بازار در تاریخ اندیشه و کاربرد بانکداری اسلامی اشاره‌ای نمی‌کند.

۱۰. کتاب یک تک‌نگاشت و خودمردم‌نگاری است که تجربه زیسته نویسنده را برای تأسیس یک موسسه بدون ربا روایت می‌کند و به اقتضای موضوع اقتصادی این تجربه، به مباحث علمی و حقوقی بانکداری و تأمین مالی می‌پردازد. از این رو در این کتاب نه تاریخچه دسته‌بندی شده و روش‌مند تجربه بانکداری اسلامی در جهان انعکاس یافته و نه نظریه‌های پرشمار و متنوع دانشمندان بنام بانکداری و تأمین مالی اسلامی بازتاب یافته است.

۱۱. نویسنده به پیشینه مفهوم مورد بحث در کتاب که به طور خلاصه شیوه تعیین سود بانکی به ویژه در عقود مبادله‌ای است اهتمام نمی‌کند، گرچه به اقتضای بحث به تجربه بانکداری در جهان یا دیدگاه برخی اشخاص اشاره می‌کند. در حالی که در این زمینه اندیشمندانی هم چون صدیقی (۱۹۸۲)، زرقاء (۱۹۸۲)، قحف (۱۳۷۵)، صدر (۱۳۷۵) میرآخور (۱۹۹۶)، اقبال (۱۹۹۸)، حق و میرآخور (۱۹۹۹)، اقبال و میرآخور (۱۹۹۹)، خان و میرآخور (۱۳۷۰)، توتونچیان (۱۳۷۹)، آقا نظری (۱۳۸۷)، موسویان (۱۳۷۹) و دیگران بسیار بحث کرده‌اند. به دلیل این کاستی در کتاب، آن را نمی‌توان به عنوان یک کتاب درسی با دستنامه معرفی کرد، در نهایت می‌توان آن را برای مطالعه جانبی توصیه نمود.

۱۲. کتاب با وجود آراستگی چاپی و صفحه‌آرایی مناسب، از برخی غلط‌های تایپی پیراسته نیست. هم‌چنان که یاد شد، استنادهای کتاب به آرای دیگر اندیشمندان بانکداری اندک است، افزون بر این از نظر ارجاعات نیز کاستی‌هایی دارد. برای نمونه در صفحه ۵۲ به اظهار نظر جیمز بیکر استناد شده، لیکن منبع آن یاد نشده است.

۳. نتیجه‌گیری

نویسنده به روش خودمردم‌نگاری تجربه خود از تأسیس بانک بدون ربا و سپس تملک بانک ویتی‌پر و تحویل آن به یک بانک بدون ربا در امریکا را بازگو می‌کند. او بنا بر ماهیت علمی مقوله بانکداری و تأمین مالی بدون ربا ناگزیر از ورود به مباحث تخصصی این حوزه است. اما تحت تأثیر روش خودمردم‌نگاری، بحث تخصصی او به اندازه کافی از پیشینه و ارجاع به نظریه‌های اقتصاد اسلامی برخوردار نیست.

قلم نویسنده روان و همه‌فهم است. شاید تأکید او بر فهم‌پذیری کتاب مایه تکرار و بسط ملال‌آور برخی از مطالب شده است. البته توان کتاب در گسترش مفاهیم و فرهنگ بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی به عنوان ترویج علم قابل‌کتمان نیست.

در کنار روایت تجربه بانک‌داری بدون ربا در امریکا، به نمونه‌هایی از این نوع بانک‌داری در جهان هم‌چون کشورهای عربی و آسیای دور اشاره شده است. لیکن این بررسی‌ها روش‌مند و جامع نیست و برای مثال روش بانک‌داری در ایران و پاکستان مغفول است.

نویسنده در شکافتن مسائل پولی و مالی از نظر فقهی، اقتصادی و حقوقی دقیق است. اما بررسی‌های او تحت تأثیر روش خودمردم‌نگاری، بیشتر به درک و یافته‌های شخصی محدود شده است و کمتر به بحث‌های نظری و مقایسه‌آرای دیگر اندیشمندان مسلمان می‌پردازد. این کاستی در تحلیل دو مفهوم شاخص سنجش کالایی و ارزش‌گذاری برپایه بازار کاملاً هویدا است.

کتاب به درستی بر اهداف و کارکردهای اجتماعی بانک‌داری بدون ربا تأکید می‌کند. اما سهم آن از این مباحث به اندازه کافی نیست و جای مباحثی درباره نهاد اجتماعی-اقتصادی بانک و جامعه‌شناسی اقتصادی سیستم بانک‌داری اسلامی خالی است.

نویسنده در معرفی دو رویکرد بانک‌داری سازگار با شریعت و مبتنی بر شریعت به توصیف و تحلیل آنها بسنده می‌کند و از کارکرد این دو در تجربه جهانی سخن نمی‌گوید.

کتاب‌نامه

آقائوری، حسن (۱۳۸۷) نظریه مشارکت در سود و زیان؛ چالش‌ها و راهکارها، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۸، شماره ۲۹، بهار، ۶۳-۷۹

توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹) پول و بانک‌داری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، تهران، انتشارات توانگران

خان‌س. محسن و میرآخور، عباس (۱۳۷۰) مطالعات نظری در بانک‌داری و مالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، تهران، مؤسسه بانک‌داری ایران

درخشان، مسعود (۱۳۸۵) دیدگاه‌های موجود به اقتصاد اسلامی، سلسله درس‌گفتارها، تدوین سیدعقیل حسینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)

صادقی، مهدی و اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۹۰) درکی از پدیده اسلامیزه شدن اقتصاد و بررسی روش میان‌رشته‌ای برای برون‌زفت از آن، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال شانزدهم، شماره ۴۹، ۹۷-۷۱

صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵) اقتصاد ما، ج. ۲ ترجمه ع. اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی صدیقی، نجات الله (۱۹۸۲) آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی، ترجمه محمدرضا شاهرودی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵) روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه، تهران، نشر آگاه

قاسمی، حمید (۱۴۰۰) مرجع پژوهش، تهران، انتشارات اندیشه‌آرا
قحف، منذر (۱۳۷۵) در مجموعه مقالات مباحثی در اقتصاد خرد با نگرش اسلامی به قلم سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان، ترجمه حسین صادقی، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس
قدیمی، اکرم (۱۳۹۶) ترویج علم؛ روش‌ها، شاخص‌ها و نمونه‌های موردی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
موسویان، عباس (۱۳۷۹) بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

Abdul-Rahman, Yahia (2010) *The Art of Islamic Banking and Finance*, New Jersey, Wiley & Sons

[Amazon.com](https://www.amazon.com), *The Art of Islamic Banking and Finance*, 5/18/2021

Haque, N. and Mireikhor A. (1999) *The Design of Instrument For Government Finance in an Islamic Economy*; *Islamic Economic Studies*, Vol. 6, No. 2, May.

Iqbal, Munawar. (1998) *Islamic Banking*; in: *Lessons in Islamic Economics*, Vol. 2, Proceedings of the Seminar on "Teaching Islamic Economics at University Level", No. 41, Dhaka, Bangladesh. July 23 to August 5, (1991) IRTI of Islamic Development Bank and the Islamic Foundation. Edited by Monzer Kahf, Pages 493-523.

Iqbal, Z. and Mirakhor, A. (1999) *Progress and Challenges of Islamic Banking*; *Thunderbird International Business Review*, Vol. 41(4/5), No. 3, July-October, Pages 81-405.

Mirakhor, Abbas (1996) *Cost of Capital and Investment in a Non-interest Economy*; *Islamic Economic Studies*, Vol. 4, No. 1.

Zarqa, M. Anas, (1982) *Capital Allocation, Efficiency and Growth in an Interest-Free Islamic Economy*; *The Journal of Economics and Administration*, No.16, November, Pages 43-58.